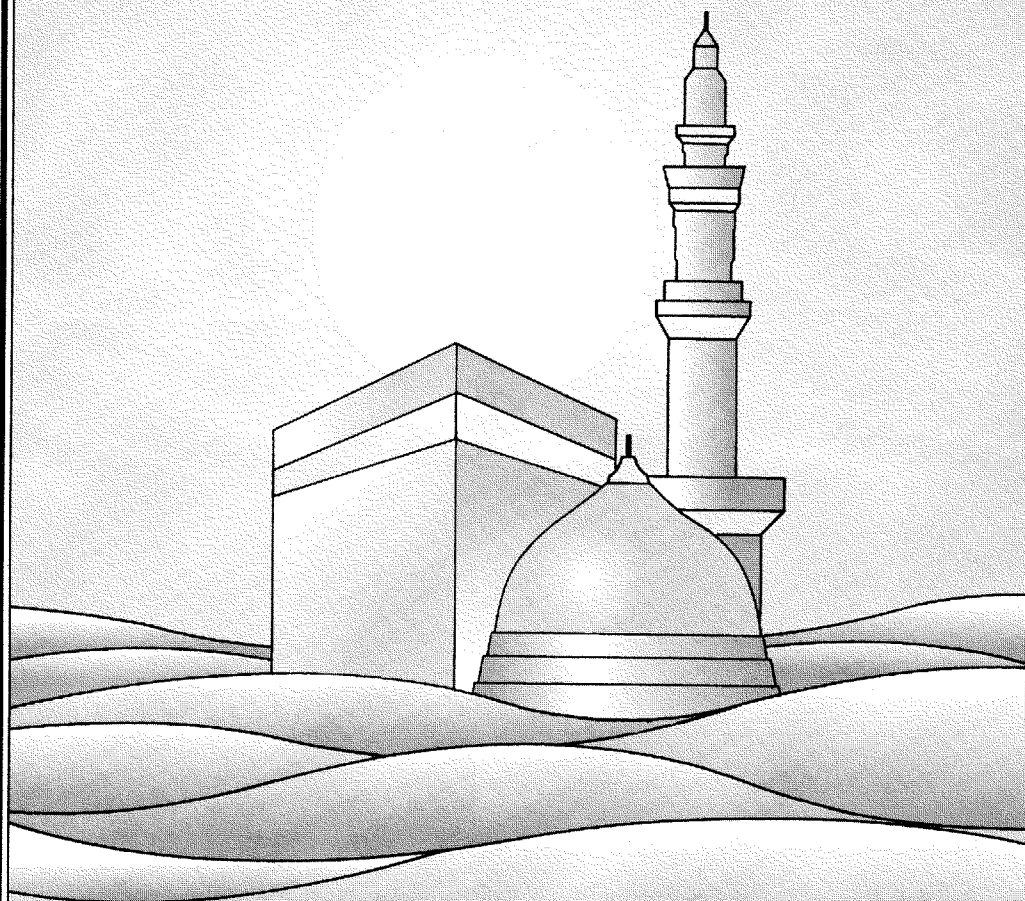
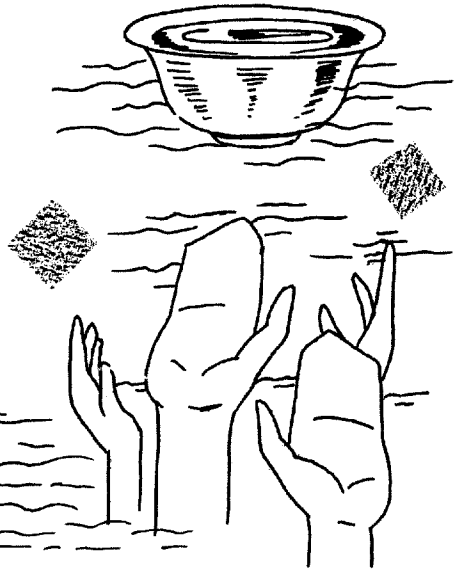


اماکن و آثار



تبرک و استشفایه

زمزم (۳)



محمد تقی رهبر

که گفت:

«به سرزمین روم رفتیم، در آنجا راهبی بود که در شب ما را منزل داد. او از ما پرسید: آیا در میان شما کسی هست که از شهر مکه آمده باشد؟ در پاسخش گفتم: آری. گفت: آیا می‌دانی میان زمزم و حجر چه مقدار فاصله است؟ گفتم: نمی‌دانم، مگر اینکه از روی حدس و تخمین بگویم. گفت: اما من می‌دانم، آب زمزم از زیر حجر جاری است و اگر نزد من یک تشمت از آن آب باشد، دوست‌تر دارم تا اینکه تشمتی پر از طلا داشته باشم.»^۲

فاکهی همچنین از قول یکی از اسرای مسلمان که در سرزمین روم اسیر شده بود نقل می‌کند که گفت:

در شماره‌های پیشین آوردیم که چشمه زمزم جوشیده از منبع فیض ربوبی است و به این جهت بر آبهای دیگر دنیا برتری دارد. چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«مَاءُ زَمْزَمٍ خَيْرٌ مَاءٍ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ»^۱

از این رو تبرک جستن و استشفای از آن، برای دردهای جسمی و روحی، از سنت‌های حسنه‌ای است که از دیرباز مورد توجه بوده و تجربه شده است. از برخی روایات تاریخی استفاده می‌شود که آثار و برکات زمزم، قبل از اسلام و در میان سایر ملل نیز مورد توجه و عنایت بوده است. فاکهی در «اخبار مکه» از مجاهد نقل کرده



«مَاءُ زَمْزَمٍ شِفَاءٌ لِمَا شَرِبَ لَهُ»^۵؛ «آب زمزم شفا برای هر چیزی است که به خاطر آن بنوشند».

و در روایت دیگر آمده: «مَاءُ زَمْزَمٍ شِفَاءٌ لِمَنْ اسْتَعْمَلَ»^۶؛ «آب زمزم شفا بخش کسی است که از آن بنوشد».

و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَاءُ زَمْزَمٍ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»، (وَأَظَنَّهُ قَالَ): کائنا ما كان^۷؛ «آب زمزم شفای هر بیماری است، (راوی گوید به گمانم فرمود): هر آنچه باشد».

و از کتاب فقه الرضا علیه السلام نقل شده است که: «مَاءُ زَمْزَمٍ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَمَانٌ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحُزْنٍ»^۸؛ «آب زمزم شفای هر درد و بیماری و امان بخش از هر ترس و اندوهی است».

از این رو در روایات ما توصیه شده است هر گاه آب زمزم می نوشید، دعای مخصوص را بخوانید: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «چون از دو رکعت نماز طواف فراغت یافتی نزدیک حجرالأسود برو و آن را بنوش و بدان اشاره کن که از این ناگزیری و سپس فرمود: اگر می توانی پیش از آنکه به صفا بروی، از آب زمزم بیاشام و هنگام نوشیدن آن بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ»^۹؛ «بار

«مرانزد پادشاه بردند، او از من پرسید: از کدام شهری؟ پاسخ دادم: از شهر مکه هستم! گفت: آیا «هزمه جبریل» را می شناسی؟ گفتیم: آری. پرسید: آیا «برّه» را می شناسی؟ پاسخ دادم: آری. گفت: آیا نام دیگری برای آن به یاد داری؟ گفتیم: آری، امروزه به «زمزم» شهره است. این اسیر مسلمان می افزاید: آنگاه پادشاه از برکات زمزم سخن گفت و افزود: حال که چنین گویی، ما در کتابهایمان خوانده ایم که اگر کسی به مقدار سه کف از آن آب بر سر بریزد، هرگز خوار و ذلیل نگردد»^۳.

ازرقی نیز از قول وهب بن منبه آورده است که در کتب پیشین از خواص زمزم سخن گفته شده و افزوده است: سوگند به آنکه جان وهب به دست اوست، هر آنکه از زمزم سیر بنوشد درد از او برطرف گردد و شفا یابد. و نظیر آن را از قول کعب الأحبار و کتب پیشین نیز آورده است.^۴

زمزم در منابع اسلامی:

در منابع روایی شیعه و سنی، روایات فراوانی آمده که از آثار و برکات زمزم و شفا بخشی آن می گویند: در اینجا برخی از آن روایات را می آوریم:

۱ - امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل

کرده که فرمود:

افزون بر گفتار پیشوایان اسلام، سیره عملی آنان نیز، چنانکه ملاحظه کردیم، نوشیدن از آب زمزم، متبرک شدن و بر بدن پاشیدن بوده است.

علی بن مهزیار گوید: ابوجعفر ثانی (امام محمد تقی علیه السلام) را دیدم که در شب زیارت (شب یازدهم ذی حجّه) طواف نساء گزاردند و پشت مقام ابراهیم نماز خواندند. سپس داخل زمزم شده، با دست خود از دلوی که به طرف حجرالأسود بود، آب برداشتند و نوشیدند و بر قسمتی از بدن خود پاشیدند و سپس دو بار دیگر به زمزم رفتند.

علی بن مهزیار می افزاید: برخی از یاران ما به من خبر دادند در سال بعد نیز امام را دیدند که همین گونه عمل کرد.^{۱۳} شیخ صدوق گوید: در روایات آمده است که هر کس از آب زمزم بنوشد شفا یابد. عارضه بیماری اش برطرف گردد و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه بودند می خواستند که از آب زمزم برای حضرتش هدیه آورند.^{۱۴}

منابع اهل سنت و شفا بخشی زمزم

دارقطنی و حاکم، از قول ابن عباس و او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

خدایا! آن را علم سودمند و رزق فراوان و شفای هر درد و بیماری قرار ده.»

و نیز حضرت صادق علیه السلام توصیه کرد: از آب زمزم بنوشید و بر سر و پشت و شکم خود بریزید و آن دعا را بخوانید؛ زیرا نقل شده که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به زمزم نظر می کردند، می فرمودند: «اگر برای امت من موجب مشقت نمی شد، یک یا دو دلو بزرگ از آن می کشیدم.»^{۱۰}

و از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام است که:

«الاطلاع في بئر زمزم يذهب الداء فاشربوا من ماؤها مما يلي الركن الذي فيه الحجر الأسود...»^{۱۱}

«نگریستن به چاه زمزم درد را از میان می برد. پس، از آن آب بنوشید از آنسویی که به طرف رکن حجرالأسود است...»

دعوات راوندی از ابن عباس چنین آورده است:

«خداوند آبهای خوشگوار را قبل از روز قیامت بالا می برد مگر زمزم را. آب زمزم تب و سردرد را بهبود می بخشد و نگریستن به آن، چشم را شفاف می کند و هر کس آن را به قصد شفا بنوشد خدایش شفا دهد و هر کس برای رفع گرسنگی بنوشد خدایش سیر گرداند.»^{۱۲}



ده روز، پرسیدند: خوراکی چیست؟
عرض کردم: بجز آب زمزم خوراکی
نداشته‌ام و چنانکه ملاحظه می‌کنید شکم
من فربه شده است. «پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّهَا
طَعَامٌ طَعْمٌ وَشِفَاءٌ سَقَمٌ».^{۱۷}

و نیز از ابن عباس نقل کرده که گفت:
«طَعَامٌ مِنَ الطَّعْمِ وَشِفَاءٌ مِنَ السَّقَمِ».^{۱۸}
از قول عایشه هم آورده که گفت:
«رسول خدا ﷺ آب زمزم را در ظرف‌ها و
مشک‌ها حمل می‌کرد و بر بدن بیماران
می‌پاشید و به آنها می‌نوشانید».^{۱۹}

سیره نبوی و آب زمزم:

بررسی سیره نبوی نیز حکایت از آن
دارد که به آب زمزم تبرک می‌جستند و از
آن برای درمان بیماران استفاده می‌کردند. و
این برای مسلمانان دیگر سرمشق بوده
است.

فاکهی از قول حبیب آورده که گفت
به عطا گفتم: «من از آب زمزم برمی‌دارم. به
نظر تو چطور است؟ پاسخ داد: بله، مانعی
ندارد، همانا پیامبر خدا ﷺ این آب را در
شیشه می‌کرد و با آن آب که به عجوهِ (نوعی
خرما) آمیخته بود، کام حسن و حسین را
می‌گشود و تبرک می‌کرد».^{۲۰}

نامبرده همچنین در اخبار مکه از قول

«مَاءٌ زَمْزَمٌ لِمَا شَرِبَ لَهُ، إِنْ شَرِبْتَهُ
تَسْتَشْفِي شَفَاكَ اللَّهُ بِهِ، وَإِنْ شَرِبْتَهُ
لَشَبِعَكَ أَشْبَعَكَ اللَّهُ بِهِ، وَإِنْ شَرِبْتَهُ لَتَقَطَّعَ
ظَمَأَكَ قَطْعَهُ، وَهِيَ هَزْمَةُ جَبْرِيلَ وَ
سَقِيَا اللَّهِ إِسْمَاعِيلَ».^{۱۵}

«آب زمزم برای هر مقصدی است که
نوشیده شود، اگر به قصد استشفای
بنوشی خدایت شفا دهد. اگر برای رفع
گرسنگی بنوشی خدایت سیر گرداند و
اگر برای رفع تشنگی بنوشی آن را رفع
کند و زمزم اثر ضربت پای جبریل و آبی
است که خداوند برای اسماعیل پدید
آورد.»

همچنین فاکهی در اخبار مکه از جابر
و او از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود:

«ماء زمزم لما شرب له».^{۱۶}
«آب زمزم برای هر چیزی که به نیت آن
بنوشند سودمند است.»

فاکهی همچنین از قول ابوذر آورده
است که گفت: برای نخستین بار که در کنار
کعبه و زیر پرده بیت، خدمت پیامبر ﷺ
رسیدم و بر آن حضرت سلام کردم، آن
حضرت پرسیدند کیستی؟ گفتم: مردی از
بنی غفار، آنگاه دست بر سر نهاده فرمود:
چندی است در اینجا هستی؟ گفتم بیش از

سنت نشود.

ازرقی نیز از علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر از آب زمزم طلبیدند و با آن وضو گرفتند. ۲۴

محدث نوری در مستدرک با ذکر سند از علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«خَيْرُ مَا يَنْبَغُ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ مَاءُ زَمْزَمَ»؛ «آب زمزم بهترین آبی است که در زمین جوشیده است.»

و نیز آورده که حسن و حسین علیهما السلام پس از طواف خانه کعبه به هنگام عصر و در حالی که ایستاده بودند، از آب زمزم آشامیدند. ۲۵

برکات و آثار معنوی زمزم

در برخی روایات از تأثیرات معنوی آب زمزم و رابطه آن با ایمان و اخلاص سخن به میان آمده است؛ چنانکه از دعای مأثور هنگام آشامیدن استفاده می شود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا...» و نیز عموم:

«شَفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ شَقْمٌ» و امثال آن.

علاوه بر اینها، روایات دیگری نیز با صراحت بیشتر در این خصوص سخن گفته است. فاکهی از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که فرمود:

انس بن مالک آورده است که روزی پیامبر در دوران کودکی اش با کودکان سرگرم بازی بود که جبرئیل آمد و او را گرفت و درون سینه و قلب وی را با آب زمزم شست و شو داد و آنگاه به جای اول برگرداند... ۲۱

و نیز از قول انس بن مالک آورده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«آن شب که مرا از مسجدالحرام به معراج بردند، سه تن آمدند و مرا نزد زمزم بردند و جبرئیل درون سینه و قلب مرا با آب زمزم شست.» ۲۲

شیخ صدوق از محدثان بزرگ شیعه در «علل الشرائع» روایت کرده که در سفر حجة الوداع، همینکه پیامبر خدا به مکه آمدند، طواف خانه کردند و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم گزاردند و استلام حجر نمودند، آنگاه به سوی زمزم رفته و از آن نوشیدند و فرمودند: «اگر برای امت من موجب مشقت نمی شد یک دلو یا دو دلو از آن می کشیدم.» ۲۳

این حدیث از استحباب کشیدن آب زمزم حکایت دارد، اما به لحاظ اینکه از دحام جمعیت و هجوم مردم موجب مشقت می شود، رسول خدا از آن خودداری کرده اند که عمل آن حضرت



باقرالعلوم رحمته الله علیه نقل کرده هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه بودند، می‌خواستند که برای حضرتش آب زمزم هدیه بیاورند؛ «أبي عبدالله عن أبيه أن النبي يستهدي ماء زمزم وهو بالمدينة».^{۲۸}

فاکهی نیز در اخبار مکه آورده است که: «پیامبر خدا پیکی نزد سهیل بن عمرو فرستادند و از او خواستند که آب زمزم را برای ایشان بفرستد و او بریک یا دو شتر آبکش ظرف‌های آب حمل نمود و برای آن حضرت فرستاد».^{۲۹}

حکیم ترمذی در این باره سخنی دارد که خلاصه آن چنین است: «اگر آب زمزم را برای رفع گرسنگی و تشنگی، شفای بیماری، سوء خلق، تنگی سینه، تاریکی دل، بی‌نیازی نفس، حوائج دیگر، رفع گرفتاری و نامالیقات و جلب نصرت الهی و یا هر یک از ابواب خیر و صلاح بنوشند، به خواسته‌های خود برسند؛ چرا که خداوند آب زمزم را از بهشت خود به عنوان فریاد رسی (برای هاجر و اسماعیل) فرستاده است».^{۳۰}

سنت تبرک و استشفای به زمزم در سیره مسلمانان

با توجه بدانچه گذشت، سیره مسلمانان و زائران بیت‌الله این بوده که از

«النظر الى زمزم عبادة وهي تحطّ الخطايا»؛^{۲۶} «نگاه کردن به زمزم عبادت است و گناهان را محو می‌کند».

البته اینگونه روایات، مطلق نیست بلکه شرایط خاص خود را دارد؛ همانگونه که در احادیث آمده، نظر کردن به کعبه عبادت است. بدیهی است این برای کسانی است که با ایمان و خلوص و عمل صالح به کعبه یا زمزم یا سایر شعائر و مشاعر بنگرند و از آن بهره معنوی گیرند.

و نیز یاقوت حموی از ابن عباس و او از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده که فرمود:

«التضلع في ماء زمزم براءة من النفاق و ماء زمزم لما شرب له».^{۲۷}
«نشانه‌ای که ما را از منافقان جدا می‌کند این است که آنان از آب زمزم سیر نمی‌نوشند».

هدیه آوردن آب زمزم

با توجه به آثار و برکات زمزم است که در روایات به آوردن و هدیه دادن آن توصیه شده و از سیره نبوی برای آن شاهد آورده‌اند. در این باره از کتاب‌های شیعه و سنی می‌توان شواهدی آورد. بنا به نقل علامه مجلسی در بحار الأنوار، امام صادق علیه السلام از پدر گرامی خود حضرت

باشیم. حضرت مصطفی ﷺ می فرماید:

«لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ
بِرَأْ بَأْذَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ». ۳۱

هر دردی را دارویی است که چون بدان
دسترسی باشد به اراده‌ی خدای بزرگ شفا
یابد.»

احمد حنبل، از اسامه بن شرک
روایت کرده که گفت: در محضر پیامبر ﷺ
بودیم. گروهی از اعراب آمدند و گفتند: ای
رسول خدا، آیا ما به مداوای بیماری‌ها
اقدام کنیم؟ حضرت فرمود:

«آری، ای بندگان خدا، مداوا کنید؛ زیرا
خدای عزّوجلّ - دردی نیافریده مگر آنکه
برای آن دوائی قرار داده است، جز یک
درد. پرسیدند: آن درد چیست؟ فرمود:
پیری» ۳۲

البته «امر به مداوا» با «توکل» منافاتی
ندارد، همانگونه که برطرف ساختن
گرسنگی و تشنگی و گرما و سرما با وسایل
مخصوص خود منافی توکل نیست. ابن
قیم جوزی گوید:

«توحید کامل نمی‌شود مگر با مباشرت
اسبابی که خداوند آنها را مقتضی برای
مستیبات آن یا همان قدر و منزلت قرار
داده است و تعطیل این اسباب مخلّ توکل

آب زمزم بنوشند و بر بدن بپاشند و بدان
تبرک جویند و استشفای نمایند و این سنت
در میان مسلمانان هر عصر استمرار داشته
و اکنون نیز ادامه دارد. زائری نیست که به
مسجد الحرام بیاید و از زمزم ننوشد و کمتر
کسی است که از حجّ بر گردد و آب زمزم
سوغات نیاورد.

آثار این تبرک و استشفای هنوز هم
نقل مجالس و نقل کتاب‌ها و مورد توجه
بزرگان بوده است و مؤلفان نیز به بیان
مواردی از آن پرداخته‌اند. یکی از
نویسندگان در کتاب خود موسوم به
«معجزات الشفاء بماء زمزم» به بیان
مواردی پرداخته که بیمارانی چند به برکت
زمزم از بیماری‌های صعب‌العلاج شفا
یافته‌اند و آنگاه به تحلیل این مطلب
پرداخته و می‌افزاید: نباید اینگونه موارد را
از دید علمی رد کرد؛ زیرا خداوندی که در
داروها شفا قرار داده، همو قادر است در
آب زمزم اثر شفابخش قرار دهد.
در اینجا گزیده‌ای از مباحث این
کتاب را می‌آوریم:

تحلیلی از شفا بخشی زمزم:

شارع حکیم، ما را موظف کرده که به
هنگام درد در جستجوی دوا و درمان

قوت قلب، اعتماد به خدا، توکل بر او، تضرع به آستانه حق، التماس و التجا به محضر او، دعا، توبه و استغفار، صدقه و کمک به دردمندان و گرفتاران و... داروهای است که امت‌ها با وجود اختلاف در دین و ملت، آنها را تجربه کرده‌اند و اثر آن را در بهبودی از بیماری‌ها دیده‌اند در حالی که دانش و تجربه و مقیاس‌های داناترین پزشکان به آن دسترسی ندارند. ولی ما و امثال ما موارد بسیاری از این امور را تجربه کرده‌ایم و دیده‌ایم. این داروهای معنوی کاری از پیش می‌برد که از داروهای طبیعی ساخته نیست. و داروهای طبیعی در برابر آنها مانند داروهای سنتی در نظر اطبا است! و این امور به مقتضای حکمت الهی و قانونی است که در جهان جاری ساخته و از حکمت و قانون خارج نیست، چیزی که هست در نظام علت‌ها، علل و اسباب متنوع‌اند که باید شناخته شوند. هنگامی که قلب با آفریدگار جهان رابطه برقرار می‌کند، آفریدگاری که خالق داروها و مدبر طبیعت و هدایتگر آن در جهت اراده و خواسته خود می‌باشد، همان آفریدگار را داروهای دیگری است که دل‌های مهجور و بریده از حق بدان دسترسی ندارند.

از نظر علمی به اثبات رسیده که هرگاه

است؛ همانگونه که در اراده و حکمت خلل آفرین است و شاید برخی تصور کنند که در پی اسباب و عوامل نرفتن، بر قدرت توکل می‌افزاید، در حالی که چنین نیست و ترک اسباب از روی عجز، منافی توکل است که حقیقت آن اعتماد نمودن قلب به خدا برای دستیابی به چیزی است که در امر دین و دنیا بنده را سودمند باشد و آنچه را در دنیا و دین زیانبار است دفع کند و با چنین اعتمادی باید در پی اسباب و عوامل رفت و گرنه حکمت و شریعت را تعطیل کرده است، پس نباید یک بنده، ناتوانی خود را به حساب توکل بگذارد و توکل خود را عامل عجز و ناتوانی قرار دهد. با اینکه پیامبر خدا به ما خبر داده که هر دردی را درمانی است و این طبیب است که در تشخیص درد و درمان خطا می‌کند. لذا آن حضرت می‌فرماید: خداوند بزرگ دردی نفرستاده مگر آنکه برای آن دوایی قرار داده است، آنکه دانست و آنکه ندانست ندانست.»^{۳۳}

ابن قیم می‌افزاید:

«برخی داروهاست که دردها را درمان می‌کند ولی عقل بزرگان اطبا به آنها نرسیده و دانش آنها و تجربه ایشان و معیارهای آنان بدان دست نیافته است؛ اینها عبارتند از: داروهای قلبی، روانی،

این اعجاز و اثر بخشی، مورد تأکید قرار می‌دهند.»

آب زمزم و شفا از سرطان:

نویسنده کتاب پیشگفته دو مورد از مشاهدات شخصی خود را آورده که به ذکر یک مورد آن بسنده می‌کنیم. او می‌نویسد:

«... دوّمین مورد، تجربه شخصی است که یک خانم اهل مغرب در کتاب خود به نام «خدا را فراموش نکن» آورده و مجله عربی در شماره ۱۴۷ و نیز «المسلمون» (در شماره ۲۴ خود در مورّخ ۲۵ شوال ۱۴۰۵ هـ مطابق با ۱۹۸۵/۱۲/۶ م.) منتشر کرده است. «دکتر مهدی بن عبود» در

مقدمه این کتاب می‌نویسد: این پدیده پزشکی دل‌ها را انبساط می‌دهد و دیده‌ها را نور می‌بخشد؛ برای آنان که عقل سالم و اندیشه معتدل دارند و در گذشته نمونه‌هایی داشته و در آینده نیز خواهند داشت. در حقیقت انسان در گنجینه وجود خویش دارای قدرت حیاتی و روحی است که به واسطه آن از عالم غیب که در قبضه قدرت الهی است مدد می‌گیرد و جهان غیب از عالم طبیعت گسترده‌تر است.

اما اصل داستان اینگونه است که: خانم «لیلی حلو» به شدت بیمار شد و

روح‌ها نیرومند گردند و نفس و طبع قوی باشند، می‌توانند با درد مقابله کنند و بر آن پیروز آیند، حال چگونه می‌توان انکار کرد که نفس و طبع توانمند باشند و با تقرب به خداوند و انس با او و محبت او و لذت ذکرش شادمان گردند و با تمام قوا به او رو آورند و با تمرکز از او یاری جویند و بر او توکل کنند و این سرمایه‌های معنوی، کارآیی بیشتری از داروهای طبیعی نداشته باشند، به گونه‌ای که درد را به کلی برطرف سازند؟! این حقیقت را کسی جز مردم جاهل و محجوب از نور حقیقت و تیره دل و دور افتاده از خداوند و حقیقت انسانیت، منکر نمی‌شوند.»^{۳۴}

مؤلف کتاب «معجزات الشفاء بماء زمزم» همچنین می‌نویسد:

«اما درباره آب زمزم باید گفت: موارد بسیاری است که دانش پزشکی حیرت زده و درمانده است و گاه ناامید از درک رمز و راز آن؛ مواردی که شفای بیمار جز با آب زمزم نبوده است. در اینجا به ذکر برخی می‌پردازیم که برای ما با صدق عقیده به اثبات رسیده و کسانی با نیت استشفای از آب زمزم نوشیده‌اند و خداوند آنان را شفا داده است و داستان خود را باز می‌گویند و تجربه شخصی خود را در

دیدم لکه‌های قرمز که بدن مرا دگرگون کرده بود، به تدریج برطرف شد احساس کردم که دیگر بیماری ندارم! تصمیم گرفتم به پاریس برگردم و با پزشکان مشورت کنم و این کار را کردم. پزشکان که چندین نوبت بیماری مرا قطعی یافته بودند، مات و مبهودت شده و این پیش آمد شگفت را باور نمی‌کردند! چند روز قبل گفته بودند سرطان در تمام سینه رخنه کرده اما امروز می‌گویند اثری از آن نمی‌بینند!

چه حادثه شگفتی رخ داده است؟! خانم پزشکان را در شگفتی و حیرت رها می‌سازد و به مغرب رهسپار می‌شود و ماجرای بهبودی خود از سرطان، به برکت آب زمزم را شرح می‌دهد.

در مغرب بار دیگر بیماری به سراغ خانم لیلی حلو می‌آید، او بار دیگر به بیمارستان می‌رود و عمل جراحی روی او انجام می‌شود و شیمی درمانی می‌کند که عوارض نامطلوبی روی بدن دارد. موهای سر می‌ریزد و برچانه او مو می‌روید! جسمش لاغر می‌شود و همه انتظار مرگ او را می‌کشند اما معجزه‌ای دیگر رخ می‌دهد! خانم لیلی حلو می‌گوید: «در خواب نوری دیدم که چشمان مرا خیره کرد. با مشاهده آن نور یقین کردم که رسول

پزشکان در معالجه او در مانده شدند و داروها نتوانست آلام او را تخفیف دهد. تشخیص پزشکی در پاریس این خبر وحشتناک را به بیمار داد که با کمال تأسف و سرطانی در تمام سینه‌اش چنگال افکنده و بیش از سه ماه زنده نخواهد بود و این سرطانی لعنتی علاج ندارد! خانم لیلی حلو با شنیدن این خبر، از زندگی ناامید شد و خود را برای وداع با اقوام و انتظار مرگ مهینا ساخت.

عزیمت به بیت الله الحرام:

او پیش از اینکه به مغرب بازگردد، به پیشنهاد شوهرش تصمیم گرفت برای عمره مفرده رهسپار مکه شود. این خانم می‌گوید: در کنار خانه خدا معتکف شدم پیوسته از آب زمزم نوشیدم و به یک قرص نان و یک عدد تخم مرغ در روز قناعت کردم و به تلاوت قرآن و دعا پرداختم. چهار روز گذشت و من روز را از شب نمی‌شناختم قرآن کریم را از اول تا آخر خواندم. سجده‌های طولانی داشتم و از اینکه در گذشته پاره‌ای از فریض و اعمال نیک را ضایع کرده بودم با سوز و گداز گریه‌ها کردم...

او ادامه می‌دهد: پس از چند روز

ردّ شبهات در خواص آب زمزم:

یکی از تحلیل‌گران^{۳۵} دربارهٔ این مطلب، با عنوان: «خواص آب زمزم» به بحث در مورد فواید آب زمزم پرداخته و ضمن طرح پاره‌ای شبهات از سوی برخی نویسندگان، در مقام پاسخگویی برمی‌آید و می‌نویسد: از آنچه گذشت می‌توان اذعان کرد که آب زمزم دارای فضیلت و فوایدی است. طعام خوردن و شفای بیماری است؛ چنانکه احادیث صحیح و اخبار متعدّد به نقل بسیاری از صحابه و علمای اسلام دلالت دارد و تجارب و آزمایشها آن را تأیید نموده و تحلیل شیمیایی آن را به اثبات رسانده است و پس از اینهمه آثار، برای هیچ مسلمانی جای شک و تردید باقی نمی‌ماند.» آنگاه نویسنده سخنی را از کردی^{۳۶} نقل کرده که به نقل گفتار کسانی که از وجود مواد میکربی در آب زمزم سخن گفته‌اند پرداخته می‌نویسد: برخی پزشکان زمان ما گفته‌اند: ضمن تجزیهٔ آب زمزم به این نتیجه رسیده‌اند که در آن برخی عناصر میکربی یافته‌اند؛ عناصری که موجب پاره‌ای بیماری‌ها می‌شود! این عناصر به وسیلهٔ سیل‌ها و باران‌ها و نفوذ رطوبت منازل مجاور به داخل چاه راه می‌یابد و لذا برای نوشیدن مناسب نیست. سپس در ردّ

خدا است و به یاری من آمده است. داستان بیماری و سردرد و ایمان خود را با آن حضرت گفتم و عرضه داشتیم که مشتاق دیدار او بودم و او با توجه تمام به سخنانم گوش می‌داد تا حرف من تمام شد. آنگاه دست مبارک خود را آورد و از چپ به راست بر سر من کشید و مرا امر به صبر کرد و گفت: جز خیر تو را نرسیده است، سپس بر من زد که از خواب بیدار شدم و اثر دست مبارک پیامبر را بر سر خود که مویی نداشت احساس می‌کردم و گویی این اندرز حضرتش را می‌شنیدم که با مهربانی و محبت می‌فرمود: پریشان و نگران نباش، صبر کن که سوگند به خدا جز خیر تو را نرسد.

خانم لیلی حلو سلامت خود را باز یافت و آثار سرطان به کلی برطرف شد. او در پایان سرگذشت خود می‌نویسد: «در اینجا یک نیروی پنهانی است که عقل و خرد انسان‌ها به ژرفای آن نمی‌رسد و آن قدرت خداوند است و اطمینان می‌دهد که با این قدرت تو را همراهی می‌کند به زندگی خود امیدوار باش چرا که خدا با تو است و درهای آسمان به روی تو باز است تا تو با خدایی و او را فرمان می‌بری، پس خدا را فراموش نکن!



این سخنان می‌گوید:

۱- آب زمزم را جبرئیل به امر

پروردگار برای اسماعیل فرزند ابراهیم پدید آورد و چهار هزار سال بر این چشمه در میان صحرای بی‌آب و علف می‌گذرد...

۲- این آب از زیر خانه کعبه معظمه، خانه محترم خداوند می‌جوشد و نیز از سوی صفا و مروه که از مشاعر بزرگ الهی می‌باشند.

۳- پیامبر با حضرت محمد ﷺ پس از هجرت از مکه به مدینه، همواره از دیگران می‌خواستند که از این آب برایش هدیه ببرند.

۴- رسول خدا ﷺ ترغیب می‌کرد که مردم از این آب بنوشند و سیراب شوند.

۵- از پیامبر خدا ﷺ درباره آب زمزم روایاتی رسیده است: از جمله اینکه:

- «مَاءُ زَمَزَمٍ لِمَا شُرِبَ لَهُ...».

- «آب زمزم برای هر مقصدی که بنوشند سودمند است اگر به قصد شفا باشد شفا یابد و اگر به وسیله آن، از شرور به خدا پناه برند، خدا پناه دهد و اگر برای رفع تشنگی بنوشند سیراب شوند و اگر برای رفع گرسنگی بنوشند سیر گردند. این آب اثر ضربت جبرئیل و آبشخور اسماعیل است.»

- «مَاءُ زَمَزَمٍ شِفَاءٌ كُلِّ دَاءٍ».

- «سیراب شدن از آب زمزم، نفاق را از میان می‌برد.»

- «فرق ما با منافقان این است که آنها از آب زمزم سیر نفوشند.»

۶- جبرئیل سینه مبارک پیامبر را با آب زمزم شست و شو داد.

۷- از آب زمزم، پیامبران برگزیده خدا و عالمان عامل، ائمه ابرار و صاحبان

سرّ و هدایت نوشیدند و همه مؤمنان تا قیامت، با ایمان و یقین و صدق و اخلاق از همان دلو و از خود چاه می‌نوشند و آن را شیرین‌تر و صافی‌تر و لذت‌بخش‌تر از هر

آب می‌دانند و شگفت آنکه آب زمزم با اینکه به رنگ همه آب‌های دنیاست، اما طعم آن لذیذ و گواراست؛ آبی که اینهمه ویژگی دارد چگونه (به گفته اطبا) از مواد

میکربی تأثیر پذیرد؟ آیا این مواد میکرب‌ها در زمان ما پیدا شده و یا در گذشته نیز وجود داشته است؟ از

قدیم‌ترین ادوار نشنیده‌ایم که کسی از آب زمزم نوشیده باشد و بیمار گردد. به عکس از دیر باز می‌شنویم که بسیاری از مؤمنان به خدا و رسول، از آب زمزم به نیت شفا یا به

قصد توبه و توفیق و کسب علم و فهم یا به نیت رفع اندوه و غم نوشیده‌اند و به

خواسته‌های خود رسیده‌اند. در زمان ما نیز مردم مکه و دیگران می‌نوشتند و به مقاصد خود می‌رسند که داستان اینان در کتب و روایات به ثبت رسیده و کسی انکارش نمی‌کند جز آنان که به امر دین نادان و جاهل و یا اهل عنادند و به غیب ایمان ندارند و بر محور مادیات می‌اندیشند.

ما معتقدیم به فرض آنکه مواد میکربی از طریق سیل یا باران به زمزم راه یابد یا کسی با شیشه‌ای درون چاه بریزد، با قدرت خدای یگانه تأثیر آن خنثی می‌شود، حتی اگر این میکرب‌ها و مواد، به چشم نیز دیده شوند!

علاوه بر این، چاه زمزم در سال‌های اخیر، از هر زمان دیگر بیشتر حفاظت و مراقبت می‌شود. این چاه در قرون اولیه، که به چند هزار سال می‌رسد، در وسط بیابان قرار داشت و اعراب بدوی با گروه‌های مختلف از نظر نظافت بدن و لباس، از آن آب برمی‌داشتند و همراه دام و احشام خود در آن وارد می‌شدند، آیا در اخبار و تواریخ شنیده شد که آنها یا احشام آنها به جهت نوشیدن آب زمزم به بیماری‌های عفونی مبتلا شده باشند؟! نه، به خدا هرگز چنین چیزی شنیده نشده بلکه عکس آن؛ یعنی سیر شدن و شفایافتن نقل گردیده است.

«کردی» در بخش دیگری از کتاب خود می‌نویسد:

«در سال ۱۳۷۶ هـ. آب زمزم مقداری شور و سنگی بود و سبب آن معلوم نبود. هنگامی که دولت سعودی تصمیم گرفت مسجد الحرام را توسعه دهد و خانه‌های اطراف را، که در سمت مسعی قرار داشتند تخریب کرد و سپس در سال ۱۳۷۵ هـ. ساختمان محوطه، از مروه تا صفا و بلکه بالاتر از آن، تا باب الوداع را پی‌ریزی کرد، به گونه‌ای که به‌طور کلی رابطه این قسمت از مسجد الحرام - با حفر پایه‌های ساختمان و پی‌ریزی، با عمق زیاد - با منازل قدیمی اطراف و آثار آنها قطع گردید که در نتیجه آب زمزم به نحو بسیار محسوس، شیرین و زلال شد.

کردی در ادامه می‌افزاید: البته آب زمزم کمی لب شور است و بهتر آن است بگوییم آب زمزم دارای طعم خاص است که با آبهای دیگر دنیا فرق دارد؛ لذا هر کس سابقه نوشیدن آن را داشته باشد، خیلی زود آن را از آبهای دیگر امتیاز می‌دهد هر چند سالها بر آن گذشته باشد.^{۳۷}

حقیقت آن است که توصیف مزه آن دشوار است، کمی مایل به شوری است نه شور زنده بلکه مطلوب و برای مؤمنان

پس به دارو و درمان چه نیازی هست؟ و آیا کسانی که از آب زمزم نوشیده‌اند واقعاً شفا یافته‌اند؟ آیا شرایط ویژه‌ای برای این امر وجود دارد و این شرایط کدامند؟ و پرسش‌هایی از این دست... در پاسخ به اینگونه پرسش‌ها که اختصاص به زمزم هم ندارد و موارد دیگری چون تربت سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام را نیز شامل است، به علاوه خواصی که برای آیات قرآن یا ادعیه و تبرک و توسل برای بهبودی از بیماری رسیده است به نوعی می‌تواند مورد اینگونه پرسشها باشد که هیچیک از اینها با دانش تجربی پزشکی و علل و اسباب ظاهری و طبیعی، که بشر بدان دست یافته است، وفق نمی‌دهد. بنابراین باید به کاوش و تحقیق از راز معنوی موارد یاد شده پرداخت، چیزی که فراتر از دانش پزشکی و آثار طبیعی دارو و درمان معمولی است.

با توجه به چند نکته مهم که ذیلاً از نظر می‌گذرد، می‌توان به سؤال‌های بالا پاسخ داد: نخست اینکه: از نگاه موحدان و مؤمنان، زمام همه امور عالم و سرنوشت آدمیان به دست قدرت بی‌چون الهی است. اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و کوچکترین فعالیت‌های حیاتی بشر چون

دلنشین. و شاید یک راز الهی در این امر باشد. لذا عباس بن عبدالمطلب از آب زمزم به «شراب الأبرار» تعبیر می‌کند و شاید این لب شور بودن برای کسانی که ایمانشان سست است موجب شود که ناگوار آید و نتوانند بنوشند و از برکت شفابخشی آن محروم گردند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: نشانه‌ای که میان ما و منافقان وجود دارد، این است که آنها از آب زمزم سیر نمی‌نوشند.»^{۳۸}

تحلیلی از شفا بخشی زمزم:

چنانکه ملاحظه کردیم، در روایات بسیاری، از پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام و نیز سخنان بزرگان و راویان، از شفابخشی آب زمزم سخن گفته شده و کتب شیعه و سنی آن را به ثبت رسانیده است. که به عنوان دلیل نقلی و تعبد و التزام به کلام معصوم پذیرفته شده و از این بابت جای سخن نیست. با این حال امکان دارد پاره‌ای اشخاص در صدد باشند به رمز و راز این موضوع پی ببرند و در اینجا پرسشهایی را مطرح کنند؛ از جمله اینکه: چگونه آب می‌تواند خاصیت دارویی داشته باشد؟ این آب چه ویژگی دارد؟ اگر قرار باشد برای شفای بیماران از آب زمزم استفاده شود

در مقام محاجّه با منکران چنین حکایت می‌کند:

﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾^{۳۹}

«و چون بیمار شوم همو مرا شفا دهد.»

با این حال خداوند اسباب و عللی را برای تنفیذ اراده خود در جهان خلقت قرار داده که در آیات قرآنی بدان اشاره شده است. یک جا از شفا بخشی قرآن سخن می‌گوید:

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾^{۴۰}

«ان قرآن چیزی فرو فرستیم که برای مؤمنان شفا و رحمت باشد و ستمکاران را جز خسران نیفزاید.»

شاید بتوان گفت: شفای مذکور در آیه کریمه، به لحاظ خط سیر معنوی قرآن و به قرینه آیات ۵۷ سوره یونس و ۴۴ سوره فصلت، بیشتر ناظر به شفای معنوی و بهبودی از بیماری‌های اعتقادی و روحی است، اما این احتمال نمی‌تواند شفا بخشی طبیعی آیات را نفی کند و بسا عموم آیه آن را در برگیرد و دلیل قاطعی بر اختصاص آن به آلام روحی و عقیدتی وجود ندارد.

نتیجه آنکه: قرآن جنبه شفا بخشی

سلامت و بیماری و... را در قبضه اراده و قدرت خود دارد. با این توصیف هر چیزی که خاصیت شفا بخشی دارد، به طور قطع، باید مورد تعلق مشیت و اراده او باشد و علل و اسباب نیز تحت اراده او مؤثر است و گرنه به مثل معروف در گفته مولوی:

از قضا سرکنگین صفرا فزود

روغن بادام خشگی می نمود

اگر اراده الهی نباشد فرآورده‌های دانش پزشکی نیز خاصیت شفا بخشی خود را از دست می‌دهد و هرگاه خداوند اراده کند کسی بمیرد تمام اطبای عالم و داروهای پیشرفته نتوانند کاری انجام دهند. پس این اراده اوست که همراه با این وسایل و ابزار و دارو و درمان در نهایت مؤثر و کارساز است و این امر با استفاده از ابزار و عوامل طبیعی در تضاد نیست بلکه درست در رأس عمود سلسله علل و اسباب و در طول عوامل و مافوق همه آنها قرار دارد و نه در عرض آنها که تزاخمی میان عوامل مادی و معنوی پدید آید. این همان توحید افعالی است که در کل نظام آفرینش جاری و ساری است. و تجربه نیز همین را به اثبات می‌رساند.

قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم



پنهان است و برای ما کشف نشده، منشأ اصلی آن اراده خداوندی است که هر چه را اراده کند با عقل و اسباب خاص، که خود می‌داند، بی‌چون و چرا تحقق پذیرد؛ ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^{۴۲} و اراده بشر و عوامل طبیعی نیز بدون تعلق مشیت او بی‌تأثیر است؛ ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾^{۴۳}

بنابر این سبب‌ساز و سبب‌سوز جز او نیست.

پاسخ به بخش دیگر پرسش:

در سؤال آمد که اگر آب زمزم شفابخش است پس باید همه دردها را درمان کند و نیازی به دارو و درمان نباشد! که در پاسخ می‌گوییم: شفابخشی زمزم یا تربت به معنای تعطیل دارو و درمان نیست، همانگونه که تضادی با آن ندارد و آب و تربت می‌توانند به عنوان بخشی از علت، مؤثر باشند. علاوه بر این، هرگز کسی مدعی نشده است در کلیه موارد و تحت هر شرایطی زمزم و تربت و هر داروی دیگری شفا بخشند بلکه مقصود اصلی مؤثر بودن اینهاست به عنوان جزئی از علت یا عامل مقتضی، آن هم با شرایط خاص خود که عمده آن تعلق اراده خداوند است.

دارد؛ از آلام روحی و آلام جسمانی، چنانکه بسیاری از اولیای خدا با خواندن همین آیه به درمان دردها پرداخته‌اند. حال این مطلب با کدامیک از موازین علوم تجربی وفق می‌دهد؟ جای سؤال است. پس باید به سراغ عامل و تأثیر معنوی در این موضوع رفت که در این صورت هیچ مانع عقلی یا عادی وجود ندارد که قرآن در بیماری‌های طبیعی نیز شفابخش باشد البته با شرایط و ضوابط خاص خود.

همین مطلب را می‌توان به تربت امام حسین علیه السلام و آب زمزم به لحاظ قداستی که دارند، گسترش داد.

همچنین قرآن به شفابخشی عسل که فراورده زنبور عسل است تصریح دارد و می‌گوید: ﴿فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ...﴾^{۴۱} که این به طور قطع، شفا ی جسمانی است و خداوندی که شفابخشی را در عسل که محصول گل و گیاه طبیعت است قرار می‌دهد، همو قادر است در هر عنصر مادی یا غیر مادی که بخواهد این خاصیت و تأثیر را قرار دهد، حتی آب یا خاک مخصوص که مورد عنایت او قرار گرفته است. و بدین ترتیب همانگونه که عسل شفابخش است، زمزم و تربت نیز شفا بخش می‌گردند.

با فرایند و نظام دیگر که از دید ما

در مورد دعاها و یا داروهای طبیعی نیز این شرایط اجمالاً مؤثر است و اگر خدا نخواهد و حکمت ایجاب نکند دعا به اجابت نرسد و همان داروهای رایج نیز مؤثر نیفتد.

نکته مهم دیگر آنکه: بیمار نیز کم و بیش در شفا و درمان بی تأثیر نیست و پزشکان بدان معترف‌اند. و بسیاری از آنها از نقش ایمان و اعتقاد و قدرت روحی و معنوی در بهبودی بیماران سخن گفته‌اند. حال با توجه به ویژگی زمزم و جوشش آن از فضل الهی، که برای بندگان برگزیده خود پدید آورده است، این آب یکی از آیات و بینات الهی است و تأثیر معنوی آن غیر قابل انکار است و آنگاه که زائر با ذکر خدا و اعتقاد و اعتماد به لطف او و با خلوص و ایمان و امید روحی به این اثر بخشی، به زمزم رو آورد و نام خدا بر زبان جاری سازد و دعا کند و بنوشد، امید اجابت خواسته او بسیار مقرون به واقعیت است و چنانکه گفتیم حکمت الهی نیز در همه جا تعیین کننده خواهد بود و شواهد تاریخی که بیشتر اشاره شد، مؤید مدعاست.

«رَزَقْنَا اللَّهَ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ بِشْرِيهِ
عِلْمًا وَ اِسْعَاءً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ سُؤْمٍ»

همچنانکه ایمان و اعتقاد و قصد خالص داشتن نیز در این امر تأثیر فراوان دارد. و برای افراد بی اعتقاد اثر معکوس می‌بخشد
«وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»

توضیح آنکه: هر گاه کسی از روی عقیده خالص و با اتکال به خداوند، آب زمزم را برای درمان هر دردی بنوشد و از خدا شفا طلبد، اگر حکمت الهی ایجاب کند اجمالاً به مقصود نائل آید و چنانکه در ادعیه آمده که هنگام نوشیدن بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا
وَ اِسْعَاءً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُؤْمٍ».^{۴۴}

«بار خدایا! آن را علم نافع و روزی فراخ و شفای هر درد و بیماری قرار ده.»

و چنانکه ملاحظه می‌کنیم از خدا خواسته می‌شود که آن را نافع و شفا بخش قرار دهد و مفهوم آن این است که اگر او اراده چنین چیزی را نکند مثمر ثمر نخواهد بود. بنابر این، نکته‌های متعددی در اینگونه امور وجود دارد؛ چون اراده و مشیت الهی، اقتضای حکمت و مصلحت، خلوص نیت و... که هر گاه یکی از اینها خلل پذیرد مقصود حاصل نگردد و بدین ترتیب نباید انتظار داشت در هر مورد و برای هر کس و تحت هر شرایطی آب زمزم یا تربت امام حسین علیه السلام مؤثر باشد؛ چنانکه



● بیانوشتها:

- ۱- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۳؛ فاکهی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۵، بدینگونه: «خیر عد فی الأرض زمزم».
- ۲- اخبار مکه، فی قدیم الذهر و حدیثه، ج ۲، ص ۴۸
- ۳- اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۹
- ۴- اخبار مکه، ج ۲، صص ۵۰ و ۵۳
- ۵- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۵؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۳۵
- ۶- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۵؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۳۵
- ۷- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۴
- ۸- همان: ص ۲۴۵
- ۹- تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۴۴؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ نک: فاکهی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۲ از ابن عباس.
- ۱۰- همان ۵۱۵، و نیز مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۳۸، بانندک اختلاف در متن حدیث و کافی، ج ۴، ص ۴۳۰
- ۱۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، صص ۱۰۳ و ۱۰۴
- ۱۲- همان، ج ۶، ص ۴۵۱ و نیز ازرقی، در اخبار مکه.
- ۱۳- کافی، ج ۴، ص ۴۳۱
- ۱۴- الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۶، باب ۲، «وروی أنه من روی من ماء زمزم أحدث له به شفاء و صرف عنه داء و كان رسول الله يستهدي ماء زمزم و هو بالمدينة».
- ۱۵- معجزات الشفاء بماء زمزم، ص ۶۲، از حاکم و دارقطنی.
- ۱۶- اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۷
- ۱۷- اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۹ و نیز ازرقی، ج ۲، ص ۵۳
- ۱۸- همان، ص ۴۱
- ۱۹- همان، ص ۴۹
- ۲۰- همان، ص ۵۱
- ۲۱- اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۵ با تلخیص.
- ۲۲- همان، ص ۲۶ با تلخیص.
- ۲۳- به نقل از بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۲ و نیز ص ۲۴۳ به روایت دیگر.
- ۲۴- اخبار مکه، ج ۲، ص ۵۵

- ۲۵۔ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۴۹
- ۲۶۔ اخبار مکہ، ج ۲، ص ۴۱
- ۲۷۔ معجم البلدان، مادہ «زمزم». و نیز نک: ازرقی، اخبار مکہ، ج ۲، ص ۵۲
- ۲۸۔ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۴۴
- ۲۹۔ اخبار مکہ، ج ۲، ص ۴۸ و نیز ص ۴۹ و ۵۰ و نیز ازرقی، ج ۲، ص ۵۰
- ۳۰۔ معجزات الشفاء بماء زمزم، ص ۶۳
- ۳۱۔ صحیح مسلم، ج ۲۲۰۴
- ۳۲۔ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۸۷ و ابن ماجہ، و ابوداؤد، ج ۳۸۵۵
- ۳۳۔ نک: زاد المعاد، ج ۴، ص ۱۵
- ۳۴۔ از زاد المعاد، ج ۴، ص ۱۱ و ۱۲، بہ نقل معجزات الشفاء بماء زمزم، ص ۷۲ و ۷۳
- ۳۵۔ مهندس یحیٰ کوشک، «زمزم، طعام طعم و شفاء سقم» صص ۳۰، ۳۱، ۳۰
- ۳۶۔ طاہر کردی، تاریخ مکہ.
- ۳۷۔ التاريخ القويم لمکة وبيت الله الکریم، بہ نقل از کتاب «ماء زمزم...»، ص ۳۱
- ۳۸۔ یحیٰ حمزہ کوشک، زمزم ص ۳۲
- ۳۹۔ شعرا: ۸۰
- ۴۰۔ اسرا: ۸۲
- ۴۱۔ نحل: ۶۹
- ۴۲۔ یس: ۸۲
- ۴۳۔ انسان: ۳۰
- ۴۴۔ تہذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۴۴